

تحلیل سیاسی - مذهبی نقوش و نمادهای سکه‌های ساسانی^۱

حسن درخشی، عبدالعزیز موحد، زهرا شهبازی

۱- دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، استادیار گروه باستان‌شناسی، شوشتر، ایران

۲- دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، استادیار گروه تاریخ، شوشتر، ایران

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

Email: Zahra_shahbazi623@yahoo.com

تاریخ دریافت ۹۱/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش ۹۱/۱۲/۲۰

چکیده

سکه‌ها یکی از اسناد مهم و با ارزش باستان‌شناسی دوران تاریخی می‌باشند که نشانگر وضعیت تاریخی، اقتصادی، مذهبی و... زمان خود هستند. در این میان سکه‌های ساسانی و نشانه‌های موجود آن در قالب نوشته‌ها و اشکال مختلفی چون تاج شاهان و القاب آنان، نقش آتشدان، آتش، ماه و ستاره، خورشید و ایزدان اهورا مزدا، آناهیتا و مهر دیده می‌شود. این نشانه‌ها علاوه بر بیان و نمایش چهره و القاب شاهان بیانگر مفاهیم ایدئولوژی سیاسی - مذهبی شاهان نیز می‌باشند. در این پژوهش به مطالعه و بررسی سکه‌های ساسانی با روش توصیفی - تحلیلی نشانه‌ها، نقوش و نمادهای مذهبی پرداخته می‌شود و هدف از آن ارتباط دادن این موارد با ایدئولوژی شاهان ساسانی برای رسیدن به اهداف سیاسی و مذهبی آنان می‌باشد.

واژگان کلیدی: سکه، ساسانیان، نشانه‌ها، سیاست و مذهب

^۱ این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم زهرا شهبازی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر به راهنمایی دکتر حسن درخشی و مشاوره دکتر عبدالعزیز موحد استخراج گردیده است.

مقدمه

سکه سندی مکتوب و معتبر، کتابی کوچک و پر محتوا است که ضرورت شناخت و اهمیت آن از جهات مختلف حائز اهمیت است. سکه شناسی بخش مهمی از علم باستانشناسی است که از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا روشنگر رویدادهای مبهم و تاریک گذشته است، در عین حال سند و مدرکی است که از آغاز پیدایش تغییر و تصرفی در آن راه نیافته است. سکه در شناخت ادیان و مذاهب و اساطیر باستانی نقش بسزایی دارد و تاریخ بسیاری از وقایع مهم مذهبی را روشن و آشکار می کند. سکه های ساسانی اسناد و مدارک گرانبهائی از تاریخ و فرهنگ، هنر و مذهب ایران به شمار می روند. همانطور که کتیبه ها و نقش برجسته های دوره ساسانی گویای مسائل سیاسی آن دوره هستند، سکه ها نیز هنر، سیاست و مذهب ساسانیان را دقیق و کامل بیان می دارند. از پادشاهان ساسانی که حدود چهار قرن ونیم حکومت کردند سکه های بسیاری بجا مانده که بررسی آنها گویای اهداف سیاسی مذهبی آنان می باشد، و نیز انعکاسی از وضعیت فرهنگی اجتماعی و حتی اقتصاد جامعه می باشد. همچنین با مطالعه سکه ها می توان با نام و لقب شاهان، مدت سلطنت آنان، تاریخ ضرب سکه ها و ضربخانه های ساسانیان، آرایش و لباس شاهان، علائم و نمادها و تصاویر الهه ها و ایزدان و شعائر مقدس زرتشتی و نقش آئین و مذهب در حکومت ساسانیان آشنا گردید.

بررسی و تحلیل سیاسی، مذهبی نقوش و نمادهای

سکه های ساسانی

سکه های ساسانی دارای نمادها و نشانه های مختلفی هستند که برخی نشانه ها دارای اهمیت ویژه مظهری می باشند و بر چهار نوع هستند: از جمله فره ایزدی، مظهر وجود جسمانی، نشانه ی هلال ماه که ستاره ای بر آن قرار گرفته، سه نقطه که یادآور مظهر بودایی «سه گوهر» (یادآور برهما، وشنو و شیوا در آیین هندوان بوده) است. برخی از این نشانه ها از جمله مظهر فرّ ایزدی و یا مظهر وجود جسمانی در روزگار هخامنشیان وجود داشتند و یا اینکه نشانه های هلال ماه و ستاره از مظاهر پارتیان بوده اند. مظهر فره ایزدی در سده ی سوم میلادی نشانه ی ویژه ی شاهنشاه ایران بود و مظهر وجود جسمانی نشانه ی ویژه جانشین شاهنشاه به شمار می رفت و هلال ماه و ستاره نشانه ی ویژه فرمانروا (شهردار) پارس بود.

در ذیل به بررسی انواع نشانه هایی که بر روی سکه های ساسانی آمده می پردازیم.

لقاب پادشاهان

سکه های اردشیر از لحاظ نوع و تزیینات، آرایش مو و چهره و نوشته پنج نوع مختلف است که هر یک معرف عهدی خاص از دوران زمامداری اوست. هرچه که از لحاظ زمانی جلوتر می آید با تزیینات سکه وبر القاب و عناوین منقوش بر آنها افزوده می گردد. نوشته های روی سکه ها به ترتیب زمان

تا ۴۳۸ م. خاستگاه پادشاهان ایران باستان را دینی ندانسته و هیچ یک از آنها را از تبار ایزدی نشمرده‌اند. پادشاهان، تنها وظیفه دنیوی پیدا کردند و صرفاً به صورت پادشاهان خوب زرتشتی برای ایران جلوه‌گر شدند. دلیل حذف این لقب ظهور کرتیر، موبد زرتشتی و مبارزه او در ساختار و سازمان سلسله مراتب روحانی دین زرتشتی بوده است. کتیبه کرتیر رشد قدرت او را از مقام هیبردی ساده تا موبد و موبد اورمزد و سرانجام در دوره پادشاهی بهرام دوم نگهبان آتشکده آناهیتا- اردشیر شد نشان می‌دهد. شاهنشاهان ساسانی در نتیجه مبارزه و کوشش کرتیر قدرت دینی و قدسی خود را از دست دادند، اما این امر در آن زمان آشکار نبود. در زمان نرسه (۳۰۳-۲۹۲ م.) که قدرت کرتیر محدود شد، قدرت و وظیفه پادشاهی به واسطه فعالیت روحانیون به صورت دنیوی درآمد. بر پایه القاب روی سکه‌ها به نظر می‌رسد که در پایان سده چهارم شاهنشاهان، بخش اعظم قدرت دینی خود را به روحانیون واگذار کردند. از دلایل دیگر حذف عنوان «چهره از ایزدان» در سده چهارم میلادی، اصلاحات آذرباد مهر اسپندان روحانی مهم دیگر دین زرتشت که تشکیلات و سلسله مراتب روحانی زرتشتی را تقویت نمود و دست به تغییر القاب شاهنشاهان ساسانی زد.

در دوره اردشیر دوم، شاپور سوم و بهرام چهارم این القاب به کار می‌رفت: «سرور مزداپرست (رامشهر) ... شاهنشاه ایران».

همانگونه که گفته شد پادشاهان ساسانی از ادعای داشتن تبار الهی محروم شدند. همچنین باید توجه

عبارتند از: ((مزدیسن بغی، ارتشتر، ملکان ملکا ایران)) ((یعنی مزداپرست خدایگان، اردشیر شاهنشاه ایران)) و ((مزدیسن بغی اردتخستر ملکان ملکا، مینوچتری من یزدان)) یعنی ((مزداپرست خدایگان، اردشیر شاهنشاه ایران، که نژاد مینوی از یزدان دارد)). (بیانی ۲۵۳۵ ص ۱۹)

لقب «چهر از ایزدان» را نه شاهنشاه ساسانی به طور پی در پی به کار برده‌اند که عبارتند از:

اردشیر یکم، شاپور یکم، هرمزد یکم، بهرام یکم، بهرام دوم، بهرام سوم، نرسه، هرمزد دوم و شاپور دوم. این لقب در کتیبه‌ها و سکه‌های اوایل دوره ساسانی حدود ۱۵۵ سال به کار می‌رفت. در طی این مدت شاهنشاهان ساسانی مدعی بودند که از نژاد ایزدی‌اند. اردشیر اول و فرزندان او را قدسی تصور می‌کردند و این موضوع احتمالاً با دین زرتشتی و منطقه‌ی پارس ارتباط داشته است. بابک و اردشیر یکم پادشاهان توانایی بودند و ارتباط نزدیکی با آتشکده آناهید در استخر پارس داشتند. قاعدتاً آنها را روحانی- پادشاهانی می‌شمردند که به پرستش آناهید می‌پردازند و چون این پرستش در فارس متمرکز بود به صورت بخش مهمی از تبلیغات اوایل امپراتوری درآمد. اردشیر یکم با بهره‌گیری از این آیین دینی و کسب قدرت از آن به قدرت مطلق پادشاهی و روحانی رسید.

در روزگار سلطنت اردشیر دوم این لقب حذف شد و این امر را معمولاً حاکی از تغییر در ایدئولوژی شاهنشاهی می‌دانند و تشکیلات زرتشتی عامل اصلی این تغییر بوده است و تغییر نه به توصیه شاه بلکه با فشاری نهاد دینی صورت گرفته است. از سال ۳۷۹

داشت که این دوره مقارن است با تهاجمات خارجی و از دست رفتن منزلت و مقام شاهان. این امر را می‌توان در از دست رفتن حاکمیت بر سرزمین‌های غیرایرانی ملاحظه کرد. جالب توجه حذف تدریجی القاب نخستین و حتی واژه ایران از نوشته‌های سکه‌هاست. این امر را می‌توان در نتیجه‌ی شکست در جنگها و تضعیف شاه شاهان در برابر همسایگان متخاصم دانست (دریایی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). القابی که شاهان برای خود برمی‌گزیدند نمایانگر خدماتی بود که از جانب آنها به مردم ارائه می‌گردید. برای نمونه بر روی بعضی از سکه‌های بهرام پنجم القاب او به صورت «مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه شاد کننده کشور» نقش گردیده است. بر پشت و روی اغلب سکه‌های ساسانی شعارهای مذهبی و یا کلماتی در بزرگداشت و تحسین پادشاه از قبیل راست (عادل) افزود و افزون (فراوانی) پیروز و پیروزان (فاتح) دیده می‌شود. پیروزی شاهان در نبرد با دشمنان از عوامل مهم برای طلب مشروعیت حکومت شاه نزد مردم به شمار می‌رفت. گاه القاب شاهان برای جلوه دادن برتری آنان از شاه پیشین بود. برای نمونه بر سکه وستهم نام او با عنوان پیروز (پیروچ) همراه است این شعار تا آن زمان از جانب هیچ فرمانروا و حکمرانی از ساسانیان در روی سکه‌ها دیده نشده؛ مسلماً به علت قیام و غلبه بر خسرو او لقب «وستهم پیروز» را برای خود برگزیده بود تا عملاً لقب خسرو یعنی «پرویز» را که به همان معنی است نفی نماید (آورزمانی، ۱۳۶۷، صص ۱۶-۱۵)

در زمینه ایدئولوژی شاهنشاهی می‌توان گفت: شاهان اولیه ساسانی ضمن اینکه خود را از تبار ایزدان می‌دانستند، از القاب هخامنشی نیز، نظیر عنوان «شاهنشا» بر روی سکه‌ها و سنگ نبشته‌هایشان استفاده می‌کردند. این میراث از قرن چهارم تا ششم میلادی با پذیرش ایدئولوژی کیانی کنار گذاشته شد. ساسانیان لقب کی را نخستین بار در زمان شاپور دوم به کار بردند. در زمان یزدگرد دوم این لقب بر سکه‌ها نمایان شد. پادشاهان ساسانی این لقب را از زمان سلطنت یزدگرد مرتباً در سکه‌ها به کار می‌بردند. در روی سکه‌های یزدگرد عبارت «مزداپرست خدایگان کی یزدگرد» دیده می‌شود. این امر نشانه دگرگونی مهمی در ایدئولوژی ساسانیان و نهادینه شده اسطوره‌های کیانی و کیش زرتشتی ساسانی است. در واقع نام‌ها و اسطوره‌های کیانی جزء مهمی از ایدئولوژی ساسانی گشته بود. باید گفت تغییر القاب شاهنشاهان در سکه‌ها به سبب تغییر عقیده شاهنشاهان نبود بلکه در برخی موارد ناشی از شکست آنها در جنگها و رشد و نیرو گرفتن تشکیلات زرتشتی بوده است. پادشاهان ساسانی که نیاکانشان ایزدی تصور می‌شدند روحانیانی بودند که در پرستشگاه آنها خدمت می‌کردند و در پایان سده چهارم به حاکمانی دنیوی تبدیل شدند. پادشاهان اواخر سده چهارم نمی‌توانستند ادعای پادشاهان نخستین را داشته باشند (دریایی، ۱۳۸۷، صص ۱۳-۱۲)

اهورامزدا

آفرینش بنابر باورهای ایران باستان در محدوده دوازده هزار سال اساطیری انجام می‌گیرد. این

سوال پیش می‌آید که مفهوم نمادین اهورامزدا چیست؟

اهورامزدا، دادار بخشنده و غیرمطلق و سرچشمه‌ی همه نیکی‌هاست. روشنی، زیبایی، شادمانی، رامش و تندرستی از اوست. اوست که مسیر همه‌ی روشنی‌های آسمان یعنی مهر، ماه و ستارگان را ساخته است. او زمین و آسمان و شادی را برای آدمی آفریده است. او از ازل بوده، هست و خواهد بود. او قادر متعال و خالق اعلی و وجودش عین قدرت و دانش است. خدایی است برین که علاوه بر ایجاد مجردات و ارزشهای معنوی از قبیل راستی (آشه- ارت)، شهریور (شهریاری و آرزو کردنی) سپندار مذارمیتی (فروتنی و تواضع)، بهمن (اندیشه نیک) و غیره ... جهان مادی را نیز ساخته و پرداخته است. اوست که خورشید و ستارگان را به حرکت و گردش گماشته و به باد و ابر تندی و شتاب سپرده و روشنایی و صبح را آفریده است تا هدایت شدگان، عهد و پیمان را که با خالق خود دارند به یاد بیاورند و بالاخره گیاهان و جانوران و انسان را نیز او خلق کرده است بلکه به تصریح خلقت «شب» و «خواب» نیز بدو نسبت داده شده است. «اهریمن» که در برابر خلقت او ایستاده و با خلق همه گونه تباهی و گزند با مخلوقات او به کشمکش می‌پردازد و در عالم هستی شر و فساد ایجاد می‌کند. اما در آخر اهورامزدا «اهریمن» را مغلوب و نابود می‌سازد و با قدرت مطلق فرمانروایی می‌کند (کریستن سن، ۱۳۷۹، صص ۱۷۱-۱۷۰) با توجه به وجود چنین مقام معنوی و ارجمندی نزد ایرانیان باستان حتی نقش اهورامزدا در خلق آثار هنری و سکه‌های این

دوازده هزار سال به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم می‌شود. در سه هزار سال اول که جهان مینوی است و هنوز نه مکان هست و نه زمان، و جهان فارغ از ماده و حرکت است از دو هستی سخن به میان می‌آید: یکی جهان متعلق به اورمزد که پر از نور، زندگی، دانایی، زیبایی و شادی و تندرستی است و دوم جهان متعلق به اهریمن که تاریک است و زشت و مظهر نابودی و بیماری و غم. زروان در نوشته‌های پهلوی خدای زمان است خدایی است که در زمانی که هیچ چیز وجود ندارد نیایشهایی به جای می‌آورد تا پسری با ویژگیهای آرمانی اورمزد داشته باشد که جهان را بیافریند. در پایان هزار سال زروان در اینکه این نیایش به ثمر برسد شک می‌کند و در همان هنگام نطفه اورمزد و اهریمن در بطن او بسته می‌شود. اورمزد ثمره نیایش و صبر او و اهریمن میوه شک اوست. اورمزد نخست امشاسپندان را می‌آفریند اما طبق برخی نوشته‌های پهلوی زمان نخستین آفریده اورمزدی است سپس امشاسپندان که جلوه‌های اورمزد به شمار می‌آیند آفریده می‌شوند. از جمله سپند مینو (به معنی روح افزایش بخش که نماد اصلی اهورا مزداست) و بهمن (وهومنه) و... (آموزگار، ۱۳۸۸، صص ۱۵-۱۴). خصوصیت این خدای بزرگ «خرد» اوست. از این رو با صفت «مزدا» خوانده می‌شود و نامش از دو جزء «اهورا= سرور و مزدا= دانا» تشکیل شده است. در نقش برجسته‌های ساسانی به صورت هیأت انسانی نمایش داده شده است اما در بین‌النهرین و از جمله آشور، خدایان با هیأت انسانی همراه بال وجود داشته‌اند. حال این

اینکه ساسانیان فره را به چه چیزی مانند می‌کردند، گواه مهمی از آن دوره در دست است. در کارنامه اردشیر بابکان که اثری افسانه‌ای درباره آغاز سلسله و پایه‌گذار آن است و در پایان دوره نوشته شده، می‌بینیم که فره به خورشید مربوط است و از این رو نظریه هاله گرداگرد شاه در سکه‌ها را تایید می‌کند (مبینی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۸) در اوستا فره به سرزمین‌های آریایی و همچنین به کیانیان تعلق دارد، و به ویژه با «کی خسرو» ارتباط دارد و این، به سبب پیروزی او بر دشمنان است. ساسانیان تاریخ نگاری پدید آوردند که آنها را در ردیف پادشاهان برحق ایران یعنی پیشدادیان و کیانیان قرار می‌داد و هخامنشیان را به کلی نادیده می‌گرفت. کیانیان پادشاهی اسطوره‌ای بودند که بر ایران فرمان رانده‌اند و ساسانیان در ادعای پادشاهی بر ایران، تبار خود را به آنان پیوند دادند. در این فرآیند، تاریخ ملی به صورت نوعی تاریخ نگاری دینی زرتشتی یا کیانی درآمد (دریایی، ۱۳۸۷، صص ۳۶-۳۴)

در مورد نشانه‌های فره بر روی سکه‌ها می‌توان گفت حلقه متشکل از مروارید بر روی سکه‌های ساسانی باید نمادی از ایزدان آب و فرّ ایشان محسوب شود زیرا مرواریدی که در قعر دریا، از رسوب املاح به دور یک نطفه مرکزی به وجود می‌آید و لؤلؤ درخشان می‌شود. به واسطه همان نطفه‌ای که دربر دارد، می‌توان نمودار فری باشد که ایم نیات (خدای آبها) زیردريا نگاه داشته بود و به دلیل درخشندگی اثر می‌تواند نمودار فرهی باشد که تجلی‌اش از مهر بود. سپس حلقه مروارید از دو جهت فره افزون است. به همین دلیل حلقه

عصر الزامی به نظر می‌رسیده و همواره تاجی کنگره‌دار بر سر و گیسوانی مجعد و ریش دراز او هیأتی بسیار عظیم است که حلقه سلطنت را به شاهان با دست راست اعطا نموده، در تمدن ساسانی همانند دیگر تمدنهای باستانی شاه نماینده و جانشین خدا در زمین و حضور اهورامزدا در مراسم تاجگذاری دلالت بر این نمایندگی و الهی بودن سلطنت شاهنشاهی دارد (میر فخرایی، ۱۳۶۶، صص ۱۱-۱۰)

در زمان هخامنشیان که هنوز مضمون «که چهر از ایزدان» رایج نشده بود، نشان اهورامزدا آدمکی کوچک سوار بر گوی بالدار بود، ولی در دوره ساسانیان برای تجسم بهتر شعاری که رواج داده بودند، شکل و هیأت ایزدان مشابه پادشاه شد (ولی قدری کوچکتر) تا فوری مشخص شود که پادشاه کیست و ایزد کدام است (سود آور، ۱۳۸۴، صص ۶۹-۶۸)

فرّه:

ریشه شناسی فرّه برای مطالعه شمایل نگاری سکه‌های ساسانی به ویژه سکه‌های خسرو دوم مهم است. معروف‌ترین ریشه پذیرفته شده برای فره در زبان هند و اروپایی آغازین به معنی «جوهر خورشید» است. بر پایه‌ی این تعبیر فره در واقع همچون هاله با شکوهی گرد پادشاهان قابل مشاهده است. مفهوم فره به معنای نیروی زندگی، شکوه و پیروزی و بخت شاهی می‌باشد که این بارقه ایزدی تنها در وجود شاه بود و او را مستحق فرمانروایی می‌کرده است (نلسون فرای، ۱۳۷۵، ص ۲۴). درباره

ساسانی هنگامی تاج جدیدی برمی‌گزید که فره او به خطر افتد و این موقعیت می‌توانست زمانی باشد که غاصبی مانند بهرام ششم تاج بر سر نهد و با حکومت خسرو دوم به مبارزه برخیزد. تاج جدید خسرو، نشانه‌ی پیروزی او بر بهرام ششم و حقانیت سلطه‌ی او و خاندانش بر ایران‌شهر بود. خسرو دوم با استفاده از این سکه‌ها تأکید داشت که تنها پادشاهان تحت پشتیبانی ایزدان می‌توانند فره و شکوه کیانی را نگه دارند. این فره را ایزدان به فرمانروایان اعطا می‌کنند و چون این افتخار را غاصبی بگیرد وظیفه‌ی پادشاه قانونی است که آن را باز پس بگیرد و به این ترتیب پادشاه قانونی می‌تواند حکومت کند (دریایی، ۱۳۸۷، صص ۳۸-۳۷).

آناهیتا

آناهیتا در روزگار نخستین شاهان ساسانی، ایزد دودمان ساسانی، ایزد جنگ و پیروزی و ایزدی بود که به شاهنشاهان ایران چهار ایزدی می‌بخشید. شباهت دادن همسر بهرام دوم به آناهیتا ایزد یشتهای کرتیر همه اینها پدیده‌های جدیدی بود که با کوششهای مذهبی و به ویژه سیاسی کرتیر ارتباط داشت (لوکونین، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷) در پشت برخی سکه‌های بهرام دوم، ایزد آناهیتا حلقه قدرت را به پادشاه اعطا می‌کند، این نشان می‌دهد بهرام دوم شهریاری خویش را مرهون ایزدان است. در بعضی دیگر علامتی صلیب مانند با دو پای کوچک در دست دارد که نقش آن، در پشت این سکه‌ها هم به عنوان نشانه‌ای از این ایزد پدیدار شده است. با این حال در همه‌ی این سکه‌ها کلاه ایزد، شبیه کلاه

مروارید در جاهای گوناگون به ویژه در سکه‌های ساسانی همچون هاله‌ای بر گرد سر شاه قرار گرفته است و تأکیدی مضاعف بر مشروعیت حکومت پادشاه دارد (سودآور، ۱۳۸۴، صص ۷۸-۷۹). بر روی سکه خسرو دوم، دو حلقه دور نیم تنه‌ی وی، نشانه‌ی فره تابان یا هاله است. شکستگی در حلقه درونی در سکه احتمالاً اشاره به افزایش بیشتر فره اوست و این افزایش را با قرار دادن نوشته‌ها و شمایل‌ها در کنار هم نشان داده‌اند. شواهدی وجود دارد که بین فره و ایزد بهرام پیوندی وجود دارد. ایزد بهرام پیروزی در جنگ را تنها به درستکاران اعطا می‌کند و دروغگویان را سرکوب می‌کند. سکه‌های سال دوم خسرو دوم این معنی را نشان می‌دهند. در این سکه‌ها تاجی با دو بالی که نماد بهرام (نماد پیروزی) است و یکی از تجلی‌های آن شاهین است، نشان داده شده است. جمع تاج و فره به معنی الوهیت بهرام و پرهیزگاری خسرو دوم است. بهرام از همه فره‌مندتر است. این نماد بهرام پیروزی بخش را خسرو دوم هنگامی که بهرام ششم (چوبین) شکست داد، دریافت کرد و این نشانه‌ی اهمیت اندیشه‌های اوستایی در ایران سده هفتم است. خسرو دوم با نگاشتن واژه فره بر سکه‌هایش، ادعای ساسانیان را مبنی بر اینکه دارندگان راستین فره و فرمانروایان برحق ایران‌شهر هستند، تقویت نمود. پیوستگی دو مفهوم فره و وهرام در سکه‌های خسرو دوم نقشی عامدانه بود و نه صرفاً یک اصطلاح تصویری که زاینده‌ی تمایلی هنری باشد. پادشاهان ساسانی هنگامی دوباره تاجگذاری می‌کرد و تاج خویش را عوض می‌کرد که قدرتش به مخاطره بیفتد. هر پادشاه

چیز آگاهی کامل دارد. روم با قبول و پذیرش آیین مهر و در نتیجه جلب توجه مردم در سرتاسر شهرهای زیر نفوذ امپراتوری نو بنیاد خود، وزنه نیرومندی برای شاهنشاهی ایران محسوب می‌شد.

از آنجا که مهر در امپراتوری روم این چنین گسترش یافته بود، لذا می‌بایست که در ایران نیز این ایزد قدیمی از یک محبوبیت بالاتری برخوردار شود. به همین جهت بود که کلاه سر محافظین آتش، برای احترام به آتش و جلب توجه بیشتر مردم شهرهای ایران نیز با اشعه‌های خورشید، شکل گرفت تا بدین وسیله نیروی همبستگی و وحدت مردم شهرها از یک سیاست مذهبی گسترده‌تری برخوردار گردد. (عباسیان، ۱۳۸۵، صص ۲۸۲-۲۸۱). همانطور که از سکه بهرام دوم با ملکه مشاهده می‌شود، ایزد مهر در مقابل آنها در سمت راست سکه قرار گرفته است. شاه و ملکه به سمت راست که ایزد مهر قرار دارد نگاه می‌کنند. «جهت راست، جهت خیر و نیکی و جایگاه بهشت و خدایان است» (شوالیه، ۱۳۸۲، ص ۳۶).

از کلاهی که ایزد مهر بر سر دارد می‌توان او را در شکل میترای اروپاییان شناسایی نمود و در سکه در حال اهدای حلقه شاهی به بهرام دوم پادشاه ساسانی می‌باشد و نیز به معنای نیرو گرفتن شاه از ایزد مهر که منشا نیکی و خیر است (عباسیان، ۱۳۸۵، ص ۲۸۴).

ماه و ستاره

در ابتدا می‌توان گفت بشر ابتدایی به دلیل کوتاه بینی در شناخت حوادث و پدیده‌ها و عجز و

همسر بهرام دوم است و این دو رو به روی هم قرار دارند. پس همسر بهرام نیز در اینجا به چهر ناهید است و فرّ این ایزد بانو، علاوه بر شاه شامل ملکه هم شده است (سودآور، ۱۳۸۴، صص ۸۹-۸۸).

مهر

مهر یکی از ایزدان کهن آریایی‌هاست و پرستش آن پیشینه بسیار درازی تا پیش از پیدایش آیین زرتشت دارد. پس در پیدایش آیین زرتشت چون معنا و اساس این دین بر یکتاپرستی بود اهورامزدا خدای بزرگ و قادر متعال دانسته شده، دیگر خدایان مورد احترام آریایی‌های ایرانی، کارگزاران درجه یک اهورامزدا و از ایزدان عمده به شمار می‌رفت. (سامی، ۱۳۴۲، ص ۲۸۱) در سرودهای مهریشت در اوستا، مهر محافظ روشن اندیشان است که دارای کردار، پندار و گفتاری نیک باشند. مهر از نظر آیین کشورداری نیز خدای جنگ محسوب می‌شد، زیرا که با داشتن دانش اهورایی که همان روشنی خرد بود می‌توانست بر همه پدیده‌های اهریمنی پیروز گردد و با نیروی مهر انسان می‌توانست بر همه مشکلات که از تاریکی و تیره‌اندیشی خرد سرچشمه می‌گرفت، پیروز گردد. به این ترتیب در زمان بهرام اول برای اولین بار هفت اشعه خورشید که نمایانگر خورشید تیز اسب باشد، طبق سرودهای اوستا روی تاج و سکه‌های این پادشاه قرار داده شد. این سمبل‌های اجتماعی مربوط به دوره ساسانی از اوستا ریشه گرفته بود که در یشتها در این باره چنین سروده شده است: اشعه‌های مهر مثل هزاران نیزه تیز و برنده به همه جا نفوذ می‌کند و همه چیز را می‌بیند و از همه

مهرها و زیورآلات پیوسته تکرار می‌شود (هینلز.بی تا، ص ۱۴۷). در دوره ساسانی از زمان پیروز، هلال ماه و ستاره تبدیل به نمادهای مذهبی شده در سمت چپ شعله‌ی آتش، ستاره و سمت راست آن هلال ماه دیده می‌شود. این نقوش به عنوان تزئینات حاشیه‌های بیرونی سکه نیز به کار می‌روند. پادشاه با این نمادهای کیهانی به گونه‌ای نشان داده شده که تصویرش دلالت بر لقب او کند. گویی او به عنوان یار ستارگان و برادر خورشید و ماه است که با خورشید طلوع کرده و به شب چشمانی (ماه) هدیه می‌کند.

نامی که خسرو بر خود نهاد یعنی انوشیروان، استنادی است بر این پادشاهی کیهانی، پس این نمادهای کیهانی برای نشان دادن الطاف الهی پادشاه کاربرد داشتند. ماه و ستاره یک نیروی کیهانی یعنی حاکمیت و برتری شاه را به نمایش می‌گذارد. این داعیه‌ی آسمانی بودن را بر تخت خسرو پرویز می‌توان دید. این تخت مزین به آسمانی مصنوعی با تمامی صور فلکی و ماه و ستاره و دوازده نشان منطقه البروج و هفت سیاره بود که همگی به دور این تخت در گردش بودند. (قلی‌زاده، بی تا، ص ۱۱).

دایره و حلقه قدرت: حلقه مفهوم خرد و حکمت و معرفت، نشان مهر و محبت و سازگاری اتحاد و پیمان بوده در یک دایره سر و ته و بالا و پایین وجود نداشت، میان یک فرمانروا با گروه مردم نیز تفاوت و اختلافی نبود. همه با هم برادر بودند که یکی را به موجب خرد و قدرتش می‌گزیدند تا راهبری‌شان کند. حلقه‌ای که به فرمانروا سپرده می‌شد، در واقع فرمانروا با قبول آن سوگند پیمان و اتحاد می‌بست

درماندگی در مقابله با کنترل رخدادهای هر پیشامد ناگهانی در طبیعت در او ایجاد وحشت و نگرانی می‌کرد و برای جلب دوستی خدایان و دفع بلاهایی که از جانب آنان عارض می‌شد جهت رفع نگرانی متوسل به قوای طبیعی از جمله ماه می‌شد. هر موجود آسمانی، زمینی، حیوانی و انسانی دارای روح بوده یعنی خدا در آن نهفته بود. ماه نیز در این زمره بود. در ادبیات اوستا «ماه» نماد شکوه، اقبال، آبیاری، دانش، ثروت، موفقیت و کامیابی است. در آیین زرتشتی ماه پاسدار چارپایان و حامل نژاد آنان و هفتمین یشت به ماه اختصاص دارد و روز دوازدهم هر ماه شمسی را به نام او «روز ماه» می‌گویند. «روز ماه» در این باورها روزی سبک و گزیده و مناسب شادمانی و حاجت خواستن است. ماه سرچشمه‌ی زندگی و زاینده‌ی بر روی زمین است و بر آن نظارت می‌کند. چرا که ماه «گئوچتر» توصیف شده، یعنی دربردارنده نژاد و تخمه چارپایان. نمادهای ماه بیشترین نقش روی اشیاء را تشکیل می‌دهند. بز کوهی، گوزن و خرگوش از حیوانات متعلق به ماه یعنی از نمادهای ماه هستند. شاخهای بزرگتر از اندازه‌ی معمول بز کوهی شبیه ماه هستند و شاخ قوچ مظهر باروری و حاصلخیزی است و حاصلخیزی از نشانه‌های ماه است. حیواناتی چون گراز، مار شاخدار، عقرب با شاخکهایش که شبیه به هلال ماه است، چشم طاووس و گاه چشم انسان با مژگان بلند، همگی نماد ماه هستند. با توجه به این معانی مذهبی و جادویی می‌توان دریافت که چرا نقش جانوران شاخدار از زمانهای قدیم بر روی سفالهای کهن، بعدها ظروف فلزی، تاج پادشاهان، سکه‌ها و

پذیرفته که باید علت آن را در جنگ و مبارزات پیروز با قوم هپتال دانست. شاید او برای فراموش کردن خاطره تلخ شکست از ذهن خود و مردم اقدام به تاجگذاری مجددی نموده است. تاج نشانه ایزدی خورشیدی و قرص خورشیدی آنهاست از طرفی میترا خدای پیمان را با خورشید مرتبط دانسته‌اند. که به تدریج خورشید جایگزین وی گشته است. تاج جدید خسرو نیز، نشانه پیروزی او بر بهرام ششم و حقانیت سلطه او و خاندانش بر ایرانشهر بود. خسرو دوم با استفاده از این سکه‌ها تاکید داشت که تنها پادشاهان تحت پشتیبانی ایزدان می‌توانند فر و شکوه کیانی را نگه دارند. این فره را ایزدان به فرمانروایان قانونی اعطا می‌کند و چون این افتخار را غاصبی بگیرد وظیفه پادشاه قانونی است که آن را باز پس گیرد و به این ترتیب پادشاه قانونی می‌تواند حکومت کند (مبینی، ۱۳۸۸، صص ۱۵۳-۱۵۲).

تاج جدید خسرو دوم بر سکه‌های سال دوم «وهرام» را به شکل آرمانی و با بالهای پرنده‌ای شکاری نشان می‌دهد. در تمام سنتها بال به آسانی به دست نمی‌آید بلکه به قیمت تعلیمات باطنی و تزکیه نفس، بال نماد پیروزی است. این دو مفهوم به هم پیوسته‌اند و خسرو دوم از آنها به عنوان نمادی تبلیغی در سکه‌های خود استفاده کردند که نشان دهنده باورهای این پادشاه به هنگام شکست بهرام چوبین در روزگار پادشاهی خویش است.

ولیعهدی

شاپور یکم، پسر اردشیر تا سال ۲۴۰ میلادی نایب السلطنه بود. این نکته از سکه‌ها در زمان اردشیر

(رضی، ۱۳۸۱ص ۸۵۳). حلقه رمزی است، حافظ و نگاهدار هر چیز است که درونش جای دارد، موجب حفظ و انسجام روان و تن است و کانونش مبدایی است که همه چیز از آن نشأت می‌گیرد و بدان می‌گراید (پاکباز، ۱۳۷۸ص ۵۰۱).

«دایره» که نماد آسمان و قدرت دادگستری است. بنابراین دایره و مرکز از جمله رمزهای اساسی محسوب می‌شوند. چون دایره دارای آغاز و پایانی نیست، دلالت بر ابدیت دارد و در غالب تمدنها ابدیت به شکل دایره است. شکل مدور نمودار یکی از مهمترین جهات زندگی یعنی وحدت، کلیت، شکفتگی، منصب و کمال است (هال، ۱۳۸۰ص ۱۳۸) مراسم تاج بخشی که در سکه‌های ساسانی دیده می‌شود، حلقه‌ی قدرت را گاهی با نوارهایی از پارچه‌ی تزیین شده پادشاهان از دست اهورامزدا، مهر و آناهیتا دریافت می‌کنند (نلسون فرای، ۱۳۸۳، ص ۳۴۴).

تاج شاهان

تاج یک کلمه‌ی فارسی و از ریشه ایرانی است و آن کلاهی است گوهر نشان که پادشاهان هنگام جلوس بر تخت سلطنت و یا در مراسم بار بر سر نهند و صاحب آن را «تاجدار» می‌خوانند (صفا، ۱۳۴۶، ص ۱۶۴) هر پادشاه ساسانی هنگامی تاج جدیدی بر می‌گزید که فره او به خطر می‌افتد. سکه‌های پیروز از این قاعده مستثنی نیستند، بنابراین تغییر شکل تاج و تزیینات لباس او در سالهای آخر سلطنت به دلایل خاص سیاسی و اجتماعی صورت

پیدایش این سکه‌ها نشانه‌ای از تثبیت امر جانشینی مستقیم شاهی از پدر به پسر در سکه‌های دولتی است (لوکونین، ۱۳۷۹، ص ۱۸۲).

نقش آتش:

واژه آتش در اوستا *Athr* و *Atr* در فرس باستان *Atar* و در پهلوی آتور *Atur* و آتش *Atash* کلمه آذر همان واژه فرس باستانی آتر است که «تا» به زال بدل شده و نگهبان آتش، آترون یا آذربان می‌نامیدند (بهار، ۱۳۸۴، ص ۹۸). احترام به آتش و تقدس آن به عنوان فروغ ایزدی یکی از مهمترین مسائل مذهبی و فرهنگی دنیای ایران باستان است. با پیدایش آتش انسان اولیه بر ترس و وحشت مستولی، بر زندگی خود چیره شد. آتش و آب شکل برخی از پروردگاران ایران است. و در نزد ایرانیان سوزاندن لاشه در آتش گناه است (هرودوت، ۱۳۸۰، ص ۷۴). در مورد ارزش و اهمیت آتش در روایات پهلوی چنین آمده استص «نور و آتش که منبع است برای ادامه حیات جهان مادی از عالم معنوی به جهان مادی فرستاده شد و حرارت و آتش درون مردمان، از همین آتش است که پس از خاموشی پیکر جاندار در مرگ به سردی گرایید و حیات قطع گردد». (قانعی و مرتضی یدالهی، ۱۳۸۷، ص ۳۲)

در گذشته، ایرانیان توجه زیادی به ارزشهای مادی و آتش داشته و در این میان گرمی و روشنایی حاصل از آن را مظهر مهر و محبت و روشنی آن سرچشمه دانش و خرد اهورایی می‌دانستند و همواره شناخت و پرستش این پدیده را امری مهم می‌شمارند.

پیداست که تصویر شاپور که نشانه‌های او کلاه ولایتعهدی که فاقد افسر شاهنشاهی است همراه پدرش اردشیر بر روی سکه‌ها حک شده است که احتمالاً فرمان اردشیر بوده تا مساله جانشینی بدون گرفتاری حل شود. علت این امر آن بود که او پسران دیگر نیز داشت که حکومت سایر ایالات را به ایشان سپرده بود و بیم آن می‌رفت که مانند خود او در جوانی چشم به تاج و تخت دوخته باشند (دریایی، ۱۳۸۷، صص ۳۸-۱۹). در مورد قباد شاه ساسانی اتفاقات گذشته به وی آموخته بود که تکیه بر مزدک جز زیان و آشفتگی پیامدی در جامعه طبقاتی ساسانی به دنبال نخواهد داشت. بنابراین تصمیمی گرفت، خسرو پسر کوچکتر را که با آیین مزدک مخالف بود، جانشین خود کند علی‌رغم آنکه دو فرزند بزرگتر از خسرو داشت. سکه جالبی از این دوره نشان می‌دهد که قبلاً خسرو را در سلطنت سهیم و شریک نموده است. این نوع سکه از جنس مفرغ بود و به ندرت از نقره ضرب شده است. خسرو با آگاهی و زیرکی سکه را از جنس مفرغ انتخاب کرد تا به علت کمی ارزش مادی در دسترسی همگان قرار گیرد و اذهان عمومی برای مساله جانشینی آماده گردد.

در روی سکه تصویر قباد و پشت سکه تصویر خسرو در مقابل تصویر خسرو نام او لقب «شتری‌دار» به معنای «فرمانروای کشور» نوشته شده است که نشان از تفویض اختیارات وسیعی از طرف قباد به وی می‌باشند (آور زمانی، ۱۳۶۷، ص ۱۳). پدید آمدن «تصویرهای خانوادگی» بر سکه‌ها و آثار هنری تنها به دگرگونی‌های مذهبی وابسته نبوده است،

می‌شود که اسم پادشاه صاحب سکه در دنباله کلمه آتش به جای مضاف‌الیه ضرب شده است (سامی، ۱۳۴۲، ص ۳۰۰).

از سکه‌های موجود مربوط به دوره ساسانی و به ویژه از بهرام اول و دوم می‌توان چنین نتیجه گرفت که آتش و خورشید نماد اهورامزدا هر دو به یک اندازه مورد پرستش و احترام بوده‌اند و همواره بر روی تاج و سکه‌های شاهان ساسانی نشان آتش و خورشید به عنوان نماد ایزدی که روشنی دهنده خرد انسان است، جلوه گر می‌نمودند (عباسیان، ۱۳۸۵، ص ۲۸۳).

نقش آتشدان

ضرب تصویر آتشدانها بر روی سکه‌ها که از دوران شاهان پارس در سکه‌ها دیده می‌شود در دوران ساسانی نیز با تغییراتی ادامه یافت. روی سکه‌های اردشیر اول آتشدان را طوری قرار می‌دادند که یک سه پایه فلزی در آن واقع شده و آتش مقدس در حال اشتعال در بالای سه پایه نمودار است. اما در سکه‌های شاپور اول آن سه پایه از بین رفته و آتشدان به صورت ستونی بزرگ و چهارضلعی ساخته شده است. در دو طرف آتشدان دو نفر با عصا یا نیزه‌ای بلند ایستاده‌اند. این نوع آتشدان در سکه‌های ساسانی بعد از شاپور بدون تغییر دیده می‌شود. گاهی شکل سری که گویا ایزد آتش باشد از میان شعله‌ها نمایان است و غالباً در حاشیه‌ی سکه‌های پادشاهان نخستین ساسانی تا یزدگرد دوم کلمه «آتش...» دیده می‌شود که اسم پادشاه صاحب سکه به دنبال آن می‌آید.

در دوره ساسانیان آتش نیز به عنوان نماد اهورامزدا مورد احترام و پرستش بیشتری قرار گرفت. پادشاهان دوره ساسانی به خاطر ستایش و علاقه زیادی که به ایزد مهر داشتند همواره خواستار این بودند که تا آتش و فرشتگانی که مسئول نگهداری این فروغ ایزدی بودند، بر روی سکه‌هایی که به نام آنها ضرب می‌شد نیز نقش گردد. در پشت بعضی سکه‌های طلای خسرو دوم نیز به جای مجمر همیشگی «آتش» آن پادشاه به هیئت انسانی که شعله از سر و دوشش بالا می‌رود، ظاهر شده است. (رضی ۱۳۷۱، صص ۵۵۲-۵۵۱ و سوآور، ۱۳۸۴، ص ۶۵) سکه‌های دیگری از شاپور اول موجود است که با نگهبانان آتش، خود دارای تاجی هستند که نمایانگر کنگره کاخ شاهی است. در واقع همان تاجی را نگهبانان آتش بر سر دارند که خود شاپور به عنوان پادشاه بر سر نهاده است. پشت و روی بیشتر سکه‌های دوره اول پادشاهان ساسانی، تاج شاهنشاه و همچنین تاج محافظین هر دو با نماد آتش و خورشید و نشان کنگره از دیوارهای کاخ پادشاهان همراه می‌باشد (عباسیان، ۱۳۸۵، ص ۲۷۵).

بر سکه‌های بلاش از شانیه او شعله آتش زبانه می‌کشد که در آن عصر علامت دینداری و خوبی شخص بود. برعکس اگر به شانیه و کتف کسی مار تصویر می‌شد این نشان کفر و ستمکاری و ظلم بود. (آور زمانی، ۱۳۶۷، ص ۲۷). شاهان ساسانی هر کدام به تخت سلطنت می‌نشستند آتشی می‌افروختند و آتشکده‌ای برپا می‌داشتند که مبدأ تاریخ قرار می‌گرفته است. همچنین اغلب در حاشیه سکه‌های پادشاهان نخستین تا یزدگرد دوم کلمه «آتش» دیده

(معین، ۱۳۶۱ص ۳۰۰) در بررسی ظروف فلزی و سکه‌های بازمانده از زمان ساسانیان، شکل آتشدان به مثابه یک ارزش شناخته شده نمودار است. نقش آتشدان در دوران پس از زرتشت به حدی است که آن را سمبل مزدیسنا می‌دانند. (بایار، ۱۳۷۷ص ۵۶) گزنفون یادآور می‌شود که در اعیاد رسم است که آتش را در آتشدانها گردش می‌دهند (گزنفون، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳).

نقش عقاب

در سکه‌های هرمز دوم نقش عقاب دیده می‌شود. این نقش تنها نشانگر کاخ شاهنشاهی نیست، بلکه تجسم عنوان نقش عقاب در روی سراین پادشاه، نشانگر قدرت نظامی در این دوره از تاریخ می‌باشد. (عباسیان، ۱۳۸۵، ص ۲۷۶) در ایران قدیم عقاب علم پادشاهی بود. (پور داوود، ۱۳۵۶، ص ۳۱۷) از دوره بهرام دوم به بعد تاج بیشتر شاهنشاهان از سر یا نیم تنه و با بالهای عقاب تزیین یافته است.

در سکه اردشیر یکم، کلاه وی تصویر عقابی دارد که نوارهایی به گردنش بسته‌اند. این نمونه در هنر هلنیستی بسیار معمول بود. تصویر عقاب که نوارهایی به گردنش آویخته از نشانه‌های سلوکیه، انطاکیه و هترا (الحضر) و یک رشته شهرهای خود مختار بود. ممکن است این سکه مدالی باشد که به پاس گشودن یکی از شهرهای نامبرده منتشر گردیده است. تصویر عقاب بر سکه‌های اردشیر یکم مظهر آنتوفیا (انطاکیه) با سلوکیه بوده است و انتشار سکه‌های نامبرده با تصرف و یا اندیشه تصرف سرزمینهای غرب از سوی اردشیر ارتباط داشته است.

تصاویر حیوانات:

تصاویر حیوانات درنده نخستین بار بر روی سکه‌های بهرام دوم دیده شده‌اند. درندگان گوناگون بر کلاه بانوی بانوان و جانشین شاهنشاه نصب می‌شد. این نکته که سر این حیوانات وحشی را بر افسر شاهی نصب می‌کردند، نمودار آن است که تصویرهای نامبرده از نشانه‌های ایزدی زرتشتیان به شمار می‌آید. زمان پیدایش این تصویرها دوران فعالیت‌های اصلاح طلبانه کرتیر بوده است. تا زمان کرتیر و شاهنشاهی بهرام دوم آثار هنری رسمی ساسانیان فاقد این نمونه‌ها بودند. حتی در تصویر کامل افسر شاهی شاهنشاهی ساسانی تنها تصویر اهورامزدا (افسر شاپور یکم) و شاید آناهیتا (افسر هرمز - اردشیر) و مهر (افسر بهرام یکم) بعضی مظاهر آن ایزدان انسان‌نما را که در گذشته از آنها یاد شده مشاهده می‌شود. تنها بهرام دوم بر افسر شاهی خود بالهایی نشانده که مظهر ورغن - ورثرغن یکی از نخستین مظاهر تجسم فره ایزدی در شاهنشاه است. (لوکونین، ۱۳۷۹، صص ۲۷۱-۲۷۰) تصویر حیوانات که مظاهر ایزدی گوناگون به شمار می‌آمدند از آن پس به یکی از خطوط اصلی هنر ایران ساسانی تبدیل شد. تصویر شناسی مذهبی بسیاری از این تصاویر را دارای سوابقی بیش از هزار سال می‌شناسد. از سگ بالدار، ورثرغن، تشتی، میترا و افسانه‌های مربوط به نخستین گاو باستانی در «یشت‌ها» کتاب مذهبی اساطیری که در مجموعه «اوستایی» بسیار روشن و متعلق به دوران باستان است، یاد شده است.

نتیجه

بر سکه ها به مردم اطلاع داده و تثبیت می نمودند. بنابراین نوشته ها ، نشانه ها و نمادهای سکه ها تحت تأثیر اوضاع مذهبی ، سیاسی و اقتصادی و میزان قدرت شاهان بوده است.

نشانه های به کار رفته در سکه های ساسانی بیانگر ایدئولوژی آنان در اداره حکومت و کسب مشروعیت است. القاب روی سکه های شاهان آنان را برابر ایزدانی مانند اهورامزدا و آناهیتا قرار می دهد و آنان در واقع بدین وسیله پیوند حکومتشان با دین را تثبیت کردند و مشروعیت خود و حکومتشان را در برابری ایزدان کسب نمودند. نشانه هایی چون آتش و آتشدان باز تأکیدی بر آیین مزدپرستی و احترام به آتش و تقدس و الوهیت شاهان دارد که از آتش مقدس می گیرند. اما در بعضی موارد در طول دوران حکومت برخی شاهان با پافشاری روحانیون و نهاد دینی برخی القاب حذف می شوند و گاهی شکست در جنگها باعث حذف القاب شاهان بر سکه ها می شد، و گاهی برعکس با پیروزی در جنگها برخی القاب بر سکه ها افزوده میشد و یا شکل تاج شاهان تغییر می یافت. شاهان ساسانی با به تصویر کشیدن رابطه خود و ایزدان در سکه ها اسطوره شاه به عنوان نماینده خدا بر روی زمین را پایه گذاری کردند و آن را حق الهی و طبیعی خود می دانستند و مردم هم آبادانی شهر و کشور را از عدالت و دینداری شاهان می دانستند و اطاعت از آنان را وظیفه دینی خود تلقی می کردند. برخی از شاهان بزرگ دوره باستان خود را پیشوایی بزرگ و برتر و حامی دین نشان داده و اقدامات خود را بر اساس این اصل که شاه بزرگ مجری سیاست خدای بزرگ اهورامزداست، بین مردم مشروعیت بخشیدند. آنان همچنین برای تثبیت حکومت خود جانشین خود را با به تصویر کشیدن تصویر جانشین

منابع و مآخذ

- آلتهايم، فرانتس، ۱۳۸۲، تاريخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران، علمی فرهنگی
- اور زمانی، فریدون، ۸-۱۳۶۷، بررسی سکه های ساسانی، "فروهر" شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۲۷-۱۵
- امینی، امین، ۱۳۸۵، سکه های ساسانی، تهران، انتشارات ققنوس.
- بایار، ژان پیر، ۱۳۷۷، رمز پردازی آتش، ترجمه سوزان گویری، تهران، نشر مرکزی
- بهار، مهرداد، ۱۳۸۴، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، نشر آگاه
- پاکباز، رویین، ۱۳۷۸، دایره المعارف هنر، تهران، نشر فرهنگ معاصر
- پور داوود، ابراهیم، ۱۳۵۶، یشتها، تهران، نشر دانشگاه تهران
- دریایی، تورج، ۱۳۸۲، تاریخ و فرهنگ ساسانی، تهران، انتشارات ققنوس
- ۱۳۸۳، سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی، نشر تاریخ ایران
- رضی، هاشم، ۱۳۸۱، آیین مهر و تاریخ رازآمیز میترایی در شرق و غرب از آغاز تا امروز، تهران، اساطیر
- سامی، علی، ۱۳۴۲، تمدن ساسانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- سرفراز، علی اکبر، فریدون، آورزمانی، ۱۳۸۰، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران، سمت، چاپ دوم
- سودآور، ابو علا، ۱۳۸۴، فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران، تهران، نشر نی
- شریعت زاده، علی اصغر، ۱۳۹۰، سکه های ایران زمین، چاپ اول، پازینه، تهران.
- شوالیه، ژان گبران، ۱۳۸۲، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، تهران، نشر جیحون
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۴۶، آیین شاهنشاهی ایران، تهران، دانشگاه تهران
- صمدی، مهرانگیز، ۱۳۶۷، ماه در ایران از قدیمترین ایام تا ظهور اسلام، تهران، علمی فرهنگی
- عباسیان، احمد، ۱۳۸۵، فلسفه و آیین زرتشت، تهران، نشر ثالث
- فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۷۵، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی فرهنگی
- ۱۳۸۳، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی فرهنگی
- ۲۰- قانع، سعید و مرتضی یدالهی، ۱۳۸۷، زرتشت پیامبر ایران باستان، تهران، به آفرین
- قلیزاده، خسرو، بی تا، سبک شناسی سکه های ساسانی، پیک نور، سال دوم، شماره اول

- کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۵۴، به کوشش بهرام فره وشی، تهران، نشر دانشگاه تهران
- کریستن سن، آرتور، ۱۳۷۹، ایران در زمان ساسانیان، تهران، قصه پرداز
- گزنفون، ۱۳۸۰، کورش نامه، ترجمه رضا مشایخی، تهران، علمی فرهنگی
- لوکونین، ولادیمیر، ۱۳۸۹، تمدن ایران ساسانی، ترجمه مسعود گلزاری و مهرداد گلزاری، تهران، کتابدار،
- مبینی، مهتاب و فرزام ابراهیم زاده، ۱۳۸۸، پژوهشی در نشانه های سیاسی و مذهبی سکه های ساسانی، " فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ"، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۶۲-۱۴۱
- معین، محمد، ۱۳۶۱، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر
- میر فخرایی، مهشید، ۱۳۶۶، آفرینش در ادیان، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی
- هال، جیمز، ۱۳۸۰، فرهنگ نگاره ای نمادها در شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، نشر فرهنگ معاصر
- هرودوت، ۱۳۸۰، تواریخ هرودوت، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، انتشارات افراسیاب
- هینلز، جان راسل، بی تا، شناخت اساطیر ادیان، ترجمه باجلان فرخی، تهران، نشر اساطی

تحلیل سیاسی- مذهبی نقوش...

پیوست سکه‌ها به تفکیک شاهان

تصویر سکه	توضیحات	دوران حکمرانی	نام شاهنشاه	ترتیب پادشاهی
	بطور کلی بر روی سکه‌های اردشیر نوشته‌هایی که دلالت بر اعتقادات دینی و اثبات حکومت او می‌کند نقش گردیده، از قبیل مزدا پرست خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران	پیرامون ۲۲۴ - ۲۴۱ م	اردشیر یکم	۱
	روی سکه شاپور یکم نوشته‌ای به شرح زیر است: مزداپرست خدایگان، که چهره از ایزدان دارد. در پشت سکه‌های شاپور آتشدان به صورت ستونی بزرگ و چهار ضلعی ساخته شده که در طرفین آن تصویر دو انسان دیده می‌شود که گاهی به صورت فرمانروا و جانشین او و در زمان‌های بعدی به شکل دو موبد عالی‌مقام که نگهبانان آتش مقدس می‌باشند، دیده می‌شوند.	پیرامون ۲۴۱ - ۲۷۲ م	شاپور یکم	۲
	از زمان هرمز یکم القاب کامل‌تر شده و به شکل «مزداپرست خدایگان، هرمز شاهنشاه ایران و غیرایران که چهره از ایزدان دارد»، نوشته می‌شد.	۲۷۲ - ۲۷۳ م	هرمز یکم هرمزداردشیر	۳

	<p>بر روی سکه بهرام نیم رخ او با تاجی که گوی کروی شکلی بر روی آن قرار دارد و در اطراف تصویرش کلماتی به خط پهلوی به معنای مزدا پرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران که چهار از ایزدان دارد دیده می شود.</p>	<p>۲۷۳ - ۲۷۶ م</p>	<p>بهرام یکم</p>	<p>۴</p>
	<p>نیم رخ بهرام دوم با تاج بالدار و موهای باز در پشت سر و کلماتی به معنی مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه ایران و انیران که چهار از ایزدان دارد دیده می شود.</p>		<p>بهرام دوم</p>	<p>۵</p>
	<p>بر روی سکه های بهرام سوم چهره شاه رو به راست نقش شده و در کنار نماد تاجگذاری واژه - نورا و خلاصه ای از نام او نوشته شده است.</p>	<p>۲۹۳ م</p>	<p>بهرام سوم</p>	<p>۶</p>
	<p>روی سکه نیم رخ راست نرسی با موهای بلند و تاجی مزین به برگ زیتون و در اطراف آن خطوطی به معنای مزداپرست خدایگان نرسی شاهنشاه ایران</p>	<p>۲۹۳ - ۳۰۲ م</p>	<p>نرسه</p>	<p>۷</p>
	<p>تصویر نیمرخ راست هرمزد باتاج شاهی دارای تاجک های متعدد ضرب شده است. بر تاج شاهی تصویر پرنده ای وحشی با مرواریدی در منقار نقش شده است</p>	<p>۳۰۲ - ۳۱۰ م</p>	<p>هرمز دوم</p>	<p>۸</p>

تحلیل سیاسی- مذهبی نقوش...

	<p>سکه کمیابی از شاپور دوم موجود است که ضرابخانه بلخ پایتخت کوشانیان را معرفی می نماید. علامت شهر برخلاف معمول در روی سکه و در پشت فرمانروا نقش گردیده است</p>	<p>۳۱۰ - ۳۷۹ م</p>	<p>شاپور دوم (ذوالاکتاف)</p>	<p>۹</p>
	<p>روی سکه تصویر اردشیر که اطراف آن کلماتی به خط پهلوی به معنی مزداپرست خدایگان - اردشیر شاهنشاه ایران و ایران دیده می شود.</p>	<p>۳۸۳ - ۳۷۹ م</p>	<p>اردشیر دوم</p>	<p>۱۰</p>
	<p>تصویر شاپور سوم با تاج مشبک و پشت آن تصویر آتشدان و دو موبد</p>	<p>۳۸۳ - ۳۸۸ م</p>	<p>شاپور سوم</p>	<p>۱۱</p>
	<p>از زمان بهرام چهارم بطور رسمی نام شهری که سکه در آن ضرب می شد، بر پشت سکه ها ضرب می شد</p>	<p>۳۸۸ - ۳۹۹ م</p>	<p>بهرام چهارم</p>	<p>۱۲</p>
	<p>تصویر یزدگرد با تاج مزین به هلال ماه و اطراف آن واژه رامشتری. نوشته پشت سکه: راست آتوری یزدکرتی .</p>	<p>۳۹۹ - ۴۲۱ م</p>	<p>یزدگرد یکم</p>	<p>۱۳</p>
	<p>بر روی بعضی از سکه های بهرام پنجم القاب او بدین صورت نوشته شده: مزداپرست خدایگان بهرام شاهنشاه شادکننده کشور.</p>	<p>۴۲۱ - ۴۳۹ م</p>	<p>بهرام پنجم (بهرام گور)</p>	<p>۱۴</p>

	<p>در روی سکه های یزدگرد دوم لقب کی نمایان می شود که نشانه دگرگونی در ایدئولوژی ساسانیان است.</p>	<p>۴۳۹ - ۴۵۷ م</p>	<p>یزدگرد دوم</p>	<p>۱۵</p>
	<p>پیروز دارای سه تاج مختلف است که بر روی یکی از آنها بالهای ایزد پیروزی که ارتباطی با نام او دارد به کلاه وصل می شود</p>	<p>۴۵۹ - ۴۸۴ م</p>	<p>پیروز یکم</p>	<p>۱۶</p>
	<p>در سکه هایی که از بلاش باقی مانده، از شانه او شعله آتش زبانه می کشد که در آن عصر علامت دینداری و خوبی شخص بود.</p>	<p>۸۴ - ۴۸۸ م</p>	<p>بلاش</p>	<p>۱۷</p>
	<p>سکه های قباد با همان روال و اسلوب کلی سکه های ساسانی ضرب شده است در پشت برخی از آنها تصویر ولیعهد خسرم انوشیروان نقش گردیده است.</p>	<p>بار اول ۴۸۸ - ۴۹۷ م بار دوم ۴۹۹ - ۵۳۱ م</p>	<p>قباد یکم</p>	<p>۱۸</p>
	<p>سکه های جاماسب با نقش چهره شاه و ولیعهد که بر روی آن نام او و ضرابخانه ضرب شده است و در پشت آن سال و محل ضرب نقر گردیده است.</p>	<p>۴۹۷ - ۴۹۹ م</p>	<p>جاماسب</p>	<p>۱۹</p>
	<p>در روی سکه های انوشیروان نام خسرو به صورت هئوسروده نقش گردیده، این واژه از دو بخش هئو به معنای خوب و سرود یعنی آواز تشکیل شده، و خوش آواز و نیک نام معنی می دهد.</p>	<p>۵۳۱ - ۵۷۹ م</p>	<p>خسرو انوشیروان</p>	<p>۲۰</p>

تحلیل سیاسی- مذهبی نقوش...

	<p>سکه های هرمز چهارم دارای یک حاشیه نوار مانندی هستند که مساحت زیادی از سکه در بر گرفته است. تاج هرمز بسیار شبیه تاج خسرو انوشیروان است. بر روی سکه نوشته ای در جلوی صورت پادشاه است که نشان دهنده نام او یعنی اوهرمزد و دیگری در پشت سر او واقع شده که در برگیرنده کلمه اپزون یا اپزوت به معانی فزونی دهنده و فرخباد است .</p>	<p>۵۷۹ - ۵۹۰ م</p>	<p>هرمز چهارم</p>	<p>۲۱</p>
	<p>از مطالعه سکه های بهرام چوبین حدود و قلمرو فرمانروائی و مدت زمان حکومت او مشخص می شود. سکه های طلا منحصرأ در ضرابخانه پایتخت و به نام ایران ضرب شده است. مدت سلطنت او تا پایان عمر بیش از دو سال بوده است.</p>	<p>۵۹۰ - ۵۹۱ م</p>	<p>بهرام چوبین</p>	<p>۲۲</p>
	<p>سکه های خسرو پرویز شبیه سکه های هرمز چهارم است با این تفاوت که خسرو در میان دو دایره متحدالمرکز قرار گرفته و حاشیه خارجی پشت سکه توسط هلال های ماه تزئین شده است.</p>	<p>۵۹۱ - ۶۲۸ م</p>	<p>خسرو پرویز</p>	<p>۲۳</p>

	<p>-درسکه های قباد تغییراتی داده شد بال های شاهین حذف و ستاره یا گلی پنج برگ جایگزین آن شده است. و لقب پیروز را برای خود برگزیده است.</p>	۶۲۸ م	قباد دوم	۲۴
	<p>- سکه های اردشیر سوم شبیه سکه قباد است با این تفاوت که اردشیر دارای صورتی کودکانه و بدون ریش است</p>	۶۲۸ - ۶۳۰ م	اردشیر سوم	۲۵
	<p>سکه های خسرو شبیه سکه های خسرو دوم است وجه تمایز آنها - تمثال بی ریش پادشاه است</p>	۶۳۱-۶۳۲ م	خسرو سوم	۲۶
	<p>از ویژگی سکه های پوران نمادهای ملی و اسطوره ای است که بر روی آنها نقر شده است.</p>	۶۳۰ - ۶۳۱ م	پوران	۲۷
	<p>روی سکه آرمیدخت به جای تمثال زنانه صورت پر ریش مردی است که به خاطر شرم و حیا و احترام و پیروی از روش پدرش چهره او را بر سکه اش نقر کرده است.</p>	۶۳۱ م	آرمیدخت	۲۸
	<p>سکه های هرمز شبیه سکه دهه اول خسرو پرویز هستند و تنها نام او آن را متمایز می کند</p>	۶۳۰-۶۳۲ م	هرمز پنجم	۲۹
	<p>سکه های خسرو چهارم کاملاً</p>		خسرو	۳۰

تحلیل سیاسی- مذهبی نقوش...

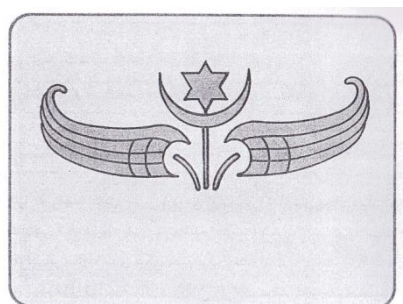
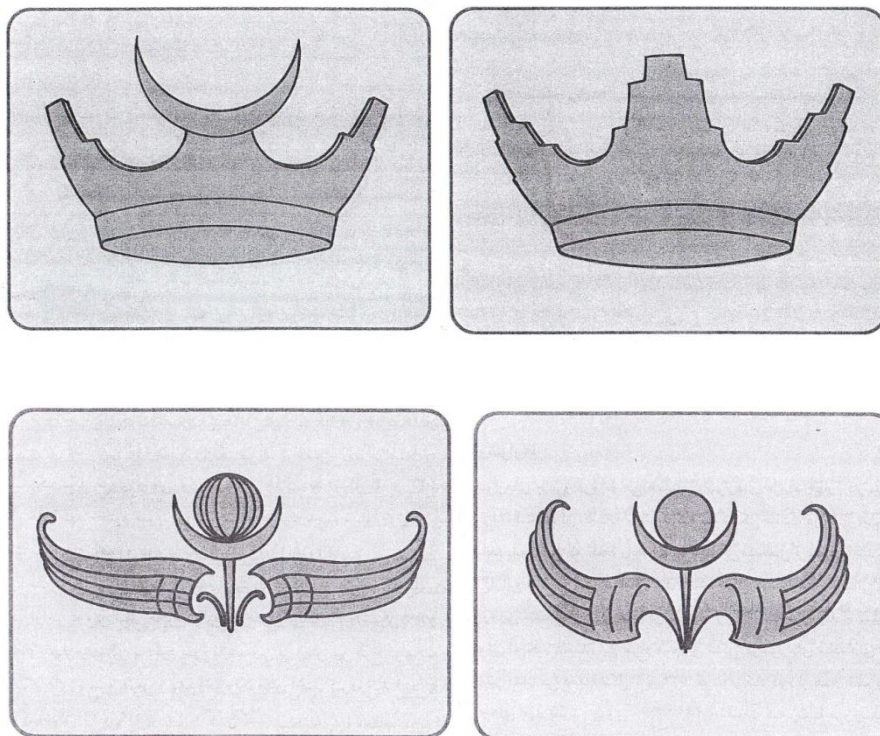
	<p>شبهه سکه های دو دهه پایانی پادشاهی خسرو دوم است و تنها راه شناسایی آنها خواندن سال ضرب آن است.</p>		چهارم	
	<p>سکه های یزدگرد سوم آخرین سکه رسمی از ساسانیان است از او سکه های سیمین و مسین دیده می شود و نام او به شیو های مختلف نگارش یافته است.</p>	۶۵۲-۶۳۳ م	یزدگرد سوم	۳۱



تصویر شماره ۱ سکه اردشیر اول ساسانی



تصویر شماره ۲ سکه خسرو دوم



تصویر شماره ۳ نمونه‌ای از تاج شاهان ساسانی



تصویر شماره ۴ سکه بهرام دوم و طرح تاج ملکه با نقش حیوان